

سید حسین موسویان\*

## ترامپ چگونه می‌تواند دیپلماسی موفق با ایران داشته باشد؟

بیش از ۵۰ سازمان طرفدار دموکراسی در ایالات متحده که نماینده میلیون‌ها رأی‌دهنده آمریکایی هستند، در بیانیه‌ای مشترک از سیاست‌گذاران این کشور درخواست کردند که به برجام احترام بگذارد زیرا این توافق مسیر احتمالی به سوی سلاح اتمی را می‌بندد، از دیپلماسی توأم با حسن نیت حمایت می‌کند و با جنگ علیه ایران مخالفت می‌کند.

در ۱۱ فوریه امسال، در روزی که میلیون‌ها ایرانی چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ را گرامی و بیعت خود را با انقلابی که ۲۵۰۰ سال حکومت شاهنشاهی در ایران را پایان داد، تجدید کردند، پرزیدنت ترامپ در توئیت‌های فارسی و انگلیسی خود نوشت «۴۰ سال فساد، ۴۰ سال سرکوب و ۴۰ سال ترور، رژیم تهران تنها ۴۰ سال شکست ایجاد کرده است. مردم ایران که مدت‌هاست رنجور هستند سزاوار آینده بسیار بهتری هستند».

در پاسخ به این توئیت، محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، در توئیت خود نوشت: «۴۰ سال شکست در قبول این موضوع که ایرانیان هیچ‌گاه به تسلیم باز نخواهند گشت، ۴۰ سال شکست سیاست خارجی ایالات متحده در تغییر به واقعیت‌ها، ۴۰ سال شکست در بی‌ثبات کردن ایران از طریق پول و خون. زمان برای دونالد ترامپ فراهم رسیده تا در مورد سیاست خارجی آمریکا تجدید نظر کند».

رهبران آمریکا و ایران تایید کرده‌اند که در دوره ترامپ، آمریکا شدیداًترین تحریم‌ها علیه ایران را اعمال کرده است. بجز سه سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ که برای اولین بار تهران و واشینگتن مذاکره سطح بالای مستقیم را تجربه و موفق به حل و فصل مسالمت‌آمیز یکی از مهمترین و پیچیده‌ترین اختلافات کهنه یعنی موضوع هسته‌ای شدند، سیاست آمریکا در مورد ایران بر مبنای تحریم و فشار و تغییر رژیم بوده است.

اما سوال اینجاست که آیا پرزیدنت ترامپ می‌خواهد دو سال باقیمانده ریاست‌جمهوری خودش را با همین روش پرهزینه و کم‌نتیجه ادامه دهد یا روش متفاوتی را امتحان کرده و میراث جدیدی درین‌بست‌شکنی بحران چهل ساله روابط آمریکا با ایران را امتحان کند. رهبر انقلاب اسلامی ایران قبلاً تأکید کرد که «تغییر کنید تا ما هم رفتارمان تغییر کند».

ترامپ می‌تواند ده سال خصومت آمریکا و ایران را با «استراتژی پنج محور» زیرخاتمه دهد.

اول: اصلاح نیت

واشینگتن باید که به تهران اطمینان دهد که سیاست تغییر رژیم را کنار می‌گذارد. این اطمینان در صورتی حاصل خواهد شد که واشینگتن صداقت خود را در حرف و عمل نشان دهد. حرف‌های توخالی که همراه با اقدامات خصمانه باشند، تنها نشانه بی‌صداقتی و عدم جدیت بوده و نتیجه معکوس خواهد داشت.

دوم: اصلاح زبان

زبان گفت‌وگوی آمریکا با ایران همیشه بر مبنای بی‌احترامی بوده و حکومت ایران را «حکومت منفور» و «محور شرارت» خوانده است. برای قضاوت منصفانه، باید گفت که تهران هم عموماً از همین زبان در مورد آمریکا استفاده کرده و حکومت آمریکا را «شیطان بزرگ» خوانده است. واشینگتن و تهران حتی اگر مایلند که «دشمنی دائمی» داشته باشند؛ حداقل

بخاطر احترام به مردم و تاریخ و فرهنگ یکدیگر، می‌توانند از دشنام و توهین متقابل پرهیز کنند. آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی اخیر خود به به طور مشخص اعلام کرد که ایرانیان تا زمانی که ایالات متحده به سیاست‌های خصمانه خود ادامه دهد شعار "مرگ بر آمریکا" را سر خواهند داد. البته او تصریح کرد که منظور این شعار رهبران آمریکا هستند و نه ملت آمریکا.

سوم: اصلاح روش

مادامی که واشینگتن فکر کند از طریق زور می‌تواند ایران را تسلیم کند، رفع خصومت‌ها ممکن نخواهد بود. باید دیپلماسی را جایگزین سیاست جنگ یا زور کرد. دیپلماسی نیز به معنای تحمیل خواست‌ها و حد اکثری به یک کشور مستقل و توقع تسلیم شدن آنها نیست.

چهارم: اصلاح برنامه عمل

برخی از اندیشکده‌های آمریکا پیشنهاد "معامله بزرگ در مقابل بزرگ" را داده‌اند. این پیشنهاد مبتنی بر واقعیات نیست. راه عملی شروع اقدامات "کوچک در مقابل کوچک" است. بی‌اعتمادی بین ایران و آمریکا بسیار عمیق است و در دوران ترامپ، با توجه به خروج از برجام و نقض قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل در مورد برجام، نیز بسیار عمیق‌تر شده است. لذا واقع‌بینانه این خواهد بود که اعتماد سازی با اقدامات متقابل، قدم‌های ممکن عملی و کوچک شروع شود. برای مثال ایران و آمریکا می‌توانند در چارچوب قوانین بین‌المللی، به راحتی در مورد مبارزه با مواد مخدر یا دزدی دریایی با هم همکاری کنند.

پنجم: پایان خط

واشینگتن و تهران برای اجرای چهار محور فوق وارد عمل نخواهند شد مگر اینکه بتوانند "آخر خط" را ببینند. در مورد برجام هم همین طور شد. آخر خط آمریکا "عدم دسترسی ایران به بمب هسته‌ای" بود و آخر خط ایران هم "حقوق هسته‌ای" در چهارچوب معاهده عدم اشاعه و "رفع تحریم‌های مرتبط با موضوع هسته‌ای" بود.

حل و فصل تخاصمات آمریکا نیز می‌تواند بر اساس اصول عدم مداخله و احترام به حاکمیت باشد.

در مورد مشکلات عملی فعلی روی میز هم میتوان بزرگ و منطقه‌ای فکر کرد. برای مثال می‌توان به یک چارچوب عادلانه منطقه‌ای در مورد سلاح‌های متعارف و سلاح‌های غیرمتعارف دست پیدا کرد. در حالی که ایران برد موشک‌های خود را داوطلبانه دو هزار کیلومتر نگاه داشته، اسرائیل و عربستان هر دو به موشک‌هایی با برد چهار یا پنج هزار کیلومتر مجهز هستند. همچنین با وجودی که اسرائیل تنها دارنده سلاح‌های اتمی در خاورمیانه است، همه فشارها و تحریم‌ها علیه ایرانی است که هیچ سلاح هسته‌ای ندارد!

قطعنامه‌های مکرر سازمان ملل خواستار عاری سازی خاورمیانه از بمب هسته‌ای و سایر سلاح‌های کشتار جمعی است. اجرای کامل و بدون تبعیض قطعنامه‌های سازمان ملل و کنار گذاشتن استانداردهای دوگانه، راه را برای ایجاد یک صلح پایدار در منطقه باز خواهد کرد. چنین تحولی می‌تواند مشکل‌گشای بسیاری از اختلافات دوجانبه و منطقه‌ای ایران و آمریکا باشد.

یک روز پس از سخنرانی خصمانه ترامپ علیه ایران، حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران اعلام کرد که اگر آمریکا در مورد اشتباهات و مداخلات گذشته عذرخواهی کند، ایران می‌تواند روابط دوستانه با این کشور داشته باشد. تغییر در روابط ایران و آمریکا امکان‌پذیر است، اما هم نیازمند صبر است و هم روش مناسب. یک تغییر واقعی و بزرگ چند سال طول خواهد کشید به شرط اینکه دوطرف تعهدات و فرصت‌های مسیر صلح را در آغوش گیرند.

\* دیپلمات اسبق ایرانی

\* منع: میدل ایست